

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

شبهانگ راد

۰۴ اپریل ۲۰۱۵

## بحران یمن، حقیقت چیست؟

هفته‌ای است که دور تازه‌ای از تضاد منافع سرمایه در یمن از سر گرفته شده است. عملیات هوایی با توافق امریکا و به سرکردگی عربستان و دیگر دولت‌های عربی به یمن و آن هم تحت عنوان "طوفان قاطعیت" آغاز گردیده است. دهه‌هاست که منطقه خاورمیانه و بعد از "بهار و انقلابات عربی"، دست‌خوش تغییر و تحولات خانمان‌سوز می‌باشد. روند خرابی‌ها، نابسامانی‌ها و همچنین ناامنی و نداری میلیون‌ها انسان دردمند، شکل ناپیوسته‌ای به خود گرفته است و گام به گام فضای یکپارگی کشورهای منطقه خاورمیانه را در بر می‌گیرد. به بهانه شیعه و سنی و دفاع از "حکومت‌های مشروع و نامشروع"، و همچنین به بهانه برقراری امنیت و پایداری دموکراسی، امنیت را ناامن‌تر و حلقه دموکراسی تعریف شده سرمایه را، تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌کنند. این همان "تغییر" ادعائی اوباما، از زمان قدرت‌گیری‌اش و در ادامه و در پی‌گیری سیاست "خاورمیانه بزرگ" و "برقراری نظم نوین جهانی" به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.

به دیگر سخن و از منظر معماران کنونی، جهان سرمایه‌داری، نیاز به حیات بیش از این، نیاز به رفع بحران و نیاز به کنترل بهتر مواد باارزش سوختی منطقه خاورمیانه، و نیاز به چپاول و غارت دست‌رنج میلیاردها انسان محروم دارد. با این اوصاف می‌بایست و باید، مطابق با اوضاع و شرایط کنونی، منفعت سرمایه را پی گرفت و مانع کندی روند آن گردید؛ می‌باید بر شتاب کارخانه‌جات سود ده سرمایه افزود و مانع هرگونه تجمعات و مخالفت‌های رادیکال و انقلابات احتمالی آتی شد. بی‌دلیل هم نیست که این‌روزها تولید و باز تولید تنش، لشکرکشی و راه‌اندازی جنگ‌های متفاوت در جوامع غنی، به سیاست روزانه و روتین قدرت‌مداران بزرگ جهانی تبدیل گردیده است؛ بی‌دلیل هم نیست که کارخانه‌جات تسلیحاتی، بهیچیک از پُر رونق‌ترین کارخانه‌جات امپریالیستی تبدیل گردیده‌اند؛ تولید و فروش سلاح‌ها و به تبع آن‌ها راه‌اندازی تنش و جنگ‌هایی که پاسخ‌گوی این دوره، از جهان تعریف شده طبقات حاکم می‌باشد. تنش و جنگ‌هایی که نه تنها، سخن‌گو و نماینده دو طبقه متخاصم و متضاد از هم نیست. بلکه تنش و جنگ خودی‌ها، بر سر تصاحب هر چه بیش‌تر منابع طبیعی، و همچنین تخریب هر چه وسیع‌تر زندگانی میلیون‌ها انسان نادر است.

دهه‌هاست که نقشه‌ها و برنامه‌ها را این‌گونه چیده‌اند و نیروهای هوایی و زمینی را آماده‌ی تعرض به بی‌غول‌های محرومان نموده‌اند؛ دهه‌هاست که، جامعه و مملکتی را در خاورمیانه و آن‌هم یکی پس از دیگری، زیر و رو می‌کنند تا لطمه‌های جدی، به مناسبات سرمایه‌داری وارد نگردد. همه تلاش‌شان بر آن است، حقیقت این‌نوع جنگ و جدل‌ها را، در پس پرده نگه دارند، تا سیاست‌های‌شان روان‌تر به پیش رود. فروش سلاح‌های مُدرن و پیش‌رفته به بهانه‌ی مقابله با "افراط‌گرایان"، "داعشی‌ها"، "حوثی‌ها" و غیره، در پاسخ به بُحران نظام‌های سرمایه‌داری، و در پاسخ به زیر و رو نمودن شالوده‌ی زندگی سازندگان اصلی جوامع بشری‌ست. چرا که نه "حزب‌الله" و "جُندالله"، "اخوان‌المسلمین" و "داعشی‌ها" و "حوثی‌ها"، مخالف نظام‌های طبقاتی و سرمایه‌داری‌اند، و نه حکومت‌هایی همچون عربستان، امارات، قطر، بحرین و ایران، حامی دموکراسی و به رسمیت شناختن حقوق پایه‌ی انسانی‌اند. همه در یک خط و هم‌سوی سیاست‌های سرمایه‌های بین‌المللی‌اند و کمترین فاصله‌ی طبقاتی مابین آنان نیست. از مرُد نیستند و سیاست و اعمال‌شان بر گرفته از سیاست‌های امپریالیستی‌ست. این جنگ و جهان‌آنان است و ربطی به جنگ و جهان بشری ندارد. این سلاح حاکمان و زورگویان و دار و دسته‌های رنگارنگ‌شان است که بر فضای جوامع متفاوت و بر شانه‌های میلیون‌ها انسان دردمند و تهی‌دست سنگینی می‌کند. سلاح‌هایی که مسیر دنیای کنونی را در جهت تأمین منافع طبقات حاکم و به سمت نابودی هر چه فزون‌تر زیر ساخت‌های جوامع غنی رهنمون می‌سازد.

مگر از یادها رفته است که عربستان یکی از اصلی‌ترین خریدار اسلحه از دولت‌های امپریالیستی و به ویژه از امپریالیزم امریکاست؟ قرارداد ۲۰ ساله آمریکا با عربستان در سال ۲۰۱۰ و آن‌هم به‌میزان ۶۰ میلیارد دلار و خرید هواپیماهای "اسپری وی - ۲۲" و جنگنده‌های "فالکن اف - ۱۶" و همچنین مُدرن و نوسازی دیگر جنگنده‌های عربستان و خرید ۶۰ الی ۸۰ تانک "لئوپارد ۲" از آلمان و ده‌ها جنگنده پیش‌رفته "تایفوت یورو فاتیر" از دولت انگلیس، و علاوه بر این‌ها، خرید بیش از ۱۵۰ میلیارد دلاری عربستان در ۳ ساله اخیر از قدرت‌مداران بین‌المللی و گردانندگان اصلی جنگ‌های همراه افتاده، نمایان‌گر این حقیقت است که، نیاز و سوددهی کارخانه‌جات سرمایه‌داران بین‌المللی، در فروش تسلیحات کُشنده و مُدرن، و همچنین در استفاده و در جای‌گزین آن‌ها از جانب دولت‌های وابسته‌ای همچون عربستان، عراق، افغانستان، سوریه و غیره در جنگ با دشمنان فرضی و در جنگ‌های قومی - مذهبی‌ست.

مسلم است که این‌دست انعقاد و فعالیت‌های نظامی امپریالیست‌ها و به ویژه امپریالیزم امریکا، صرفاً و صرفاً مربوط به کشور عربستان نیست، و قرارداد تسلیحاتی ۳ میلیارد و ۴۵ میلیون دلاری امریکا با امارات متحده عربی و فروش ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری ۳۴۰ هلی‌کوپتر تهاجمی آپاچی، هلی‌کوپترهای "بلک هاک" و ۲۲ هلی‌کوپتر "الی هاک" و قرارداد ۲ میلیون یورویی با دولت آلمان از جانب قطر و همچنین فروش میلیارد‌ها دلار سلاح به عمان و بحرین از جانب دولت امریکا نشان‌گر ماهیت سیاست‌های سرکوب‌گرایانه سرمایه‌داران بین‌المللی و آن‌هم به سرکردگی دولت امریکاست. بی دلیل هم نیست که روزانه و دائماً در مناطق و در جوامع متفاوت، طبقات حاکم، در فکر و در تولید، دسته‌های مرتجع و مسلح به‌منظور اجرای بهتر نقشه‌های خودی‌اند. پیداست که چنین سیاستِ مخرب، نصیب میلیارد‌ها انسان محروم و دردمند خواهد شد و پُر واضح است که بلبشوها و جنگ‌های همراه افتاده تاکنونی، خواستِ کارگران و زحمت‌کشان و خواست قربانیان نظام‌های امپریالیستی نیست. چرا که این‌نوع جنگ‌ها، جنگِ محرومان نیست و پی‌آمد بس مخرب و هزینه‌پرداز برای توده‌های ستمدیده یمن و دیگر جوامع جنگ‌زده خواهد داشت. چرا که جنگ سرمایه‌داران بر سر کنترل بهتر شریان‌های

اقتصادی، به نفع جناح‌ها و دار و دسته‌های خودی‌ست. هدف امپریالیست‌ها و به ویژه امپریالیزم امریکا، تخلیه و کنترل ذخایر مالی و طبیعی عظیم کشورهای هم‌چون عربستان، و در یمن، بر سر کنترل کامل تنگه باب‌المندل، آبراهی باریک بین دریای سرخ و خلیج و آن‌هم به‌عنوان تنگه‌ستراتژیکی که سالانه، پذیرای ۲۰ هزار کشتی‌ست، می‌باشد. با این اوصاف و در بستر چنین منفعتی‌ست که به بهانه‌های واهی هم‌چون "امنیت جامعه و شهروندی" و "مخالفت و دفاع از حکومت‌های مشروع و نامشروع"، جامعه و مردم را تخریب و به‌کام مرگ می‌کشانند. به راستی که کمتر کسی ناآشنا به ماهیت حقیقی دولت‌مردان عربستان و هم‌چنین انگشت‌شمارند، که ندانند این نظام، یکی از جنایت‌کارترین نظام‌ها در منطقه خاورمیانه می‌باشد و چگونه، زنان در این کشور، در اسارت قوانین ارتجاعی و عقب‌مانده‌اند و چگونه دولت‌مردان کنونی، دست و گردن قربانیان نظام امپریالیستی را قطع می‌کنند و مخالفان را به بند می‌کشند تا آزادی و منفعت طبقه سرمایه‌داری محفوظ بماند؟

بر مبنای چنین کارکرد و اعمال ددمنشانه‌ای‌ست که تأکید می‌گردد، حمله عربستان و آن‌هم به‌همراهی دیگر متحدینش به یمن، در پاسخ‌گویی به پای‌داری دمکراسی و در حمایت از مردم محروم این جامعه نیست، بلکه پی‌گیری سیاست‌های امپریالیستی در منطقه و ایجاد بلبشو تازه‌تر، به‌منظور جلوگیری از تنش‌های رادیکال و انقلابات احتمالی آتی‌ست. چرا که از منظر قدرت‌مداران بین‌المللی، همه جوامع منطقه خاورمیانه، جدا از ناامنی‌های اقتصادی - سیاسی، نیازمند تنش‌های قومی - مذهبی و نیازمند ناامنی‌های جانی برای کارگران و زحمت‌کشان است؛ سیاستی که بعد از به سر رسیدن دوران جنگ سرد و آن‌هم به‌منظور "برقراری نظم نوین جهانی" و "خاورمیانه بزرگ" در دستور کار امپریالیست‌ها و به ویژه امپریالیسم امریکا قرار گرفت. در چنین چهارچوبه‌ای‌ست که شعله‌های جنگ‌های ارتجاعی و خانمان‌سوز را یکی پس از دیگری، گسترده‌تر می‌نمایند و توده‌های محروم را به‌گام مرگ می‌کشانند.

حقیقتاً که این‌روزها و به‌دلیل ناتوانی کارگران و زحمت‌کشان در تهیه نیازهای اولیه زندگی، تولید و فروش سلاح به جوامعی هم‌چون عربستان و از این‌دست نظام‌های منطقه، تنها راه حل پاسخ‌گویی به بحران کنونی از جانب قدرت‌مداران بین‌المللی و به ویژه امپریالیزم امریکاست. سلاحی که به‌مراتب، بیش از جمعیت کشورها و جوامع تحت سلطه نظام‌های امپریالیستی‌ست. به‌طور مثال، بیش از جمعیت یمن، در این کشور، سلاح وجود دارد و صد البته که چنین اوضاع دهشتناکی، به یمن خلاصه نمی‌گردد و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه و افریقا هم از چنین قاعده کلی مستثنی نیستند. حضور و حیات بیش از صدها دسته و نیروی مسلح ارتجاعی در لیبیا و سازمان‌دادن دسته‌های ارتجاعی وابسته به سرمایه و قدرت‌های بین‌المللی در ممالک متفاوت، حکایت از چنین واقعیات تلخ و دردناکی دارد.

بنابر این، پاسخ صحیح و دوران‌ساز، در درجه نخست، در درک حقیقی و در فهم سیاست پس‌پره سرمایه‌داران بین‌المللی و آن‌هم به‌عنوان گردانندگان اصلی تنش، در منطقه خاورمیانه، و در ثانی در سمت‌وسو دادن مخالفت‌ها، نارضایتی‌ها و اعتراضات مردمی و آن‌هم در تقابل با تمامی نیروها و دسته‌جات مسلح و مرتجع رنگارنگ نظام‌های امپریالیستی و دولت‌های وابسته منطقه خاورمیانه می‌باشد. در حاشیه و به خطا خواهیم رفت، چنان‌چه بخواهیم، جنگ و حمله عربستان به یمن را، به جنگ دو دولت ایران و عربستان و آن‌هم به‌عنوان، جنگ مابین "دو قدرت" منطقه‌ای توضیح دهیم. سیاستی که این‌روزها ژورنالیست‌های وابسته به سرمایه، مبلغ و مروج آنند. به عبارتی دیگر و روشن‌تر، عربستان، ترکیه، سوریه، بحرین، قطر، امارات، اردن، لیبیا و عراق و ایران و دیگر کشورهای از این‌دست، به‌عنوان بازی‌گران سناریوی نوشته شده امپریالیستی در منطقه‌اند، و طبعاً، بدون

کارگردانی، طرح و برنامه‌ریزی بزرگان بین‌المللی، بازی‌گری و چنین نقش‌آفرینی‌هایی از جانب دولت‌های وابسته، ناممکن - بوده و - می‌باشد.

۳ اپریل ۲۰۱۵

۱۴ فروردین [حمل] ۱۳۹۴